

## یادداشت های شهر شلوغ

# از «مذاکره برای مذاکره» تا «نسل جدید پروژه بگیران»!

**[شهروند]** کنشگری فعالان سیاسی در این روزها، مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. نقدها و پیشنهادهای و حضورهای متعدد و گاه گل درشت آنها باعث شده است، این احساس در بین بسیاری از مردم شکل بگیرد که در عرصه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی شاهد تغییر روش ها و اصلاحاتی خواهیم بود. اما فرایندی که همه به آن امید دارند، اتفاق نظر حول شعار وفاق ملی دکتر پزشکیان است؛ دولتی که بسیاری از گروه های سیاسی معتقدند باید حمایت شود تا ایران در مسیر توسعه گام بردارد، بر ناترازی ها فائق آید و در عرصه داخلی و بین المللی بدرخشد. شاید از همین روی است که نقدها و بررسی رفتارها قدری جدی تر شده است. مخصوصاً نقد افرادی که به درست یا غلط در کار نقد دولت و فعالیتهای دولتند. رسانه ها در روز گذشته نیم نگاهی به این موضوع داشته اند و صد البته مثل همیشه به فیلترینگ و قانون حجاب و مذاکره و... هم عنایت ویژه ای داشته اند.

### مسئول پیامدهای مراجعه به سایت های غیر اخلاقی شماست

اینکه امروز جلسه شورای عالی فضای مجازی برگزار می شود و مشکل فیلترینگ حل می شود، نقل محافل شده است و دوباره رسانه ها از فیلترینگ می نویسند و مزایا و معایبش - دیروز روزنامه اصولگرای خراسان با انتقاد از ادامه فیلترینگ نوشت: باید چشم انتظار بمانیم تا شاید این هفته تصمیمی به نفع جامعه اتخاذ شود.

خراسان نوشت: اعداد و ارقام رسمی در پیمایش های مرتبط با مراکز افکارسنجی و نیز در روایت مسئولان، نشان می دهد بیش از ۸۵ درصد کاربران اینترنت در کشور از فیلترشکن استفاده می کنند.

اگرچه گردش مالی در عرصه فیلترشکن ها و پشت پرده های سود آن در دو سال اخیر، همواره از چالشی ترین موضوعات حوزه فیلترینگ بوده و بعضاً ارقامی تا بیش از ۵ هزار میلیارد تومان گردش مالی سالانه برای آن ذکر شده، اما تاکنون اقدام و تصمیم در خوری برای رفع این چالش اتخاذ نشده است. با این حال و بنابر آن چه حکمرانان تا حدودی کارنا بلد فضای مجازی مطرح کرده اند، باید چشم انتظار بمانیم تا شاید این هفته تصمیمی به نفع جامعه اتخاذ شود. در عین حال، یک روی سکه تصمیم پیش روی آقایان، شاید موافقت نکردن با رفع فیلتر باشد که باید به این تصمیم سازان کارنا بلد، گفت: شما هر تصمیم و روشی را درباره فیلترینگ اتخاذ کنید، جامعه مدت هاست مسیر خود را در پیش گرفته است با این آسیب که مسئول ورود بدون مرز به فضای غیر اخلاقی موجود در فضای مجازی و نیز نا امن شدن فضای سایبری، کسی نیست جز مسئولانی که بدون شناخت از فضای مجازی و جامعه تصمیم سازی می کنند.

### قالبیاف موافق است اما مخالف هم هست!

از فیلترینگ که بگذریم، نقد و نظرها در مورد اعمال قانون حجاب همچنان ادامه دارد. به عنوان مثال یک چهره نزدیک به قالبیاف می گوید: ذهنیت آقای قالبیاف به مسائل فرهنگی و اجتماعی که در دوران حضورش در پلیس هم دیده شد، اساساً مخالف برخورد های فیزیکی و تنش آمیز است.

سعید آجرو از چهره های نزدیک به قالبیاف در روزنامه ایران نوشت: در پاسخ به این پرسش که آیا اساساً دکتر قالبیاف با همه مفاد قانون عفاف و حجاب موافق است یا خیر، باید گفت، طبیعی است که ایشان نیز مانند سایر نمایندگان نسبت به برخی موارد این قانون اشکال داشته باشد و نسبت به بخشی دیگر از آن موافق باشد.

نظرات ایشان در حوزه عفاف و حجاب کاملاً مشخص است؛ از یک طرف با ناهنجاری، ساختارشکنی، ولنگاری و بی حجابی مخالف است و تعارفی ندارد و از طرف دیگر با گشت ارشاد، برخورد های فیزیکی و برخورد هایی که اساساً تنش زا هستند، مخالف است.

هر چند در همین قانون نیز مواد متعددی مبتنی بر رویکرد ایجابی، تبلیغی و فرهنگی پیش بینی شده است و یکسره سلبی و تنبیهی نیست. قالبیاف از جایگاه رئیس مجلس وظیفه داشته است که از قانون عفاف و حجاب به عنوان ماحصل خرد جمعی نمایندگان مجلس یا اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی حمایت و آن را ابلاغ کند. با این حال بارها تأکید کرده که راه برای اصلاح این قانون باز است و دولت می تواند لایحه اصلاح قانون را به مجلس ارائه دهد، هر چند این موضع اصولی او در فضای دو قطبی ایجاد شده شنیده نشد. اینکه طوری قانون بنویسیم که اجرایی شود، برآیند جامعه و حاصل مشارکت همه طیف های مختلف جامعه باشد نیز یک رویکرد کلی است؛ سیاست کلی که ممکن است در مقام اجرا با مشکلاتی همراه باشد. اینکه نهادی مثل شورای عالی امنیت ملی هم به موضوع ورود کرده و به عنوان نهادی که فراتر از قوای سه گانه است موضوعی را تعیین تکلیف کند با آنچه گفته شد در تناقض نیست.

### سیاست خارجی دونیش

اما برگردیم به موضوع تحریم ها و مذاکره و آنچه این روزها مطرح می شود. چند روز پیش حسین موسویان درباره لزوم گفت و گو با ترامپ یادداشتی را در روزنامه ایران منتشر کرده بود که

مورد نقد روزنامه فرهیختگان قرار گرفت. فرهیختگان نوشت: این یادداشت از سه جهت مهم است؛ نخست نویسنده مطلب که دیپلماتی قدیمی است، دوم محل انتشار آن که روزنامه دولت است و سوم ضریبی که مدیران محترم رسانه دولت در صفحه نخست به این یادداشت داده اند. پیشنهاد خطرناک موسویان که در روزنامه دولت مطرح شده است چه نسبتی با وزارت خارجه دارد؟

چکیده مطلب روزنامه فرهیختگان این است:

الف: بارها به توصیه های جناب موسویان توجه نشده و وضع فعلی حاصل این بی توجهی هاست.

ب: بعد از انعقاد برجام ایران به همه تعهداتش پایبند بود اما ترامپ از آن خارج شد چون می خواست خودش قرارداد ببندد.

ج: ترامپ در آغاز کارش به ایران پیشنهاد معامله خواهد داد.

د: ممکن است با ترامپ توافق کنیم، همان طور هم ممکن است او از توافق احتمالی دوباره خارج شود.

روح حاکم بر مطلب جناب موسویان تشویق به مذاکره برای مذاکره است، به یک معنا فارغ از جهت گیری های محتوایی یا انتفاعی که ممکن است ما از مذاکره به دست بیاوریم یا نیاوریم، مذاکره کردن بهتر از مذاکره نکردن است. معنای مستتر در این متن این است که مذاکره فی نفسه امر ارزشمندی است و حکمرانی ما نسبت به آن بی تفاوت است.

خودتان را جای طرف مقابل بگذارید. اگر بفهمد که شما سیستم ادراکی ای دارید که فارغ از نتیجه، معتاد به مذاکره است، آیا با او مذاکره خواهید کرد؟ حالا این را در شرایطی بسنجید که طرف مقابل چند باری هم به شما خیانت کرده است.

جناب موسویان علت خروج ترامپ از برجام را این می داند که دوست داشته توافقی جدید به نام خودش ثبت شود. فرض کنیم موسویان درست می گوید و ایران این بار با ترامپ به توافقی رسید که او به آن پایبند است و چیزی مثل برجام مدتی کج دار و مریز اجرا شد، اما در انتخابات ۲۰۲۸ آمریکا مثلاً ایلان ماسک رأی آورد و این بار او دوست داشت که از توافق قبلی خارج شود تا توافقی جدید به اسم او ثبت شود. این بار باید چه کرد؟ این دور باطل تا کجا ادامه خواهد داشت؟

از نظر او محتوای مذاکره و جهتش مهم نیست، اصل مذاکره موضوعیت دارد. در واقع به نسخه مبتذل تر شده گزاره ایران سوز «هر توافقی بهتر از توافق نکردن است» روبه رویم. این بار یک نفر به ایران پیشنهاد می دهد فارغ از اینکه با چه کسی، بر سر چه موضوعی، با چه هدفی مذاکره می کنی، فقط برو و مذاکره کن.

اگر جناب موسویان کمی جلوتر می آمد و چند پیشنهاد محتوایی می داد این متن کمی قابل تأمل تر بود. مادامی که ایده در حد فرمی و مذاکره برای مذاکره بماند، به جای بحث فنی کردن باید به سراغ یکی از گزینه های سه گانه اول متن رفت؛ تجویز گل گاوزبان برای هر مرض، لذت از مسیر به جای مقصد آن هم به شکل تخیلی یا وجود انگیزه های دلآلی.

### جلیلی علیه برخی چهره ها و جریاناتی که به شایعات دامن می زنند، علناً اعلام موضع کند

از خیر مذاکره بگذریم. موضوع موضعگیری در قبال شایعات منتشر شده در خصوص استعفای پزشکیان همچنان ادامه دارد. در همین زمینه روزنامه خراسان نوشت: شایعات درباره استعفای رئیس جمهور و به تبع آن تضعیف نهاد دولت، در شرایط پیچیده منطقه و کشور، نه تنها به چالش های ساختاری دامن می زند، بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک از سوی جریان ها

و گروه هایی خاص، برای رسیدن به اهداف سیاسی خاص خود به کار می رود و صد البته بهترین راه برای جلوگیری از نفوذ چنین شایعاتی تلاش شبانه روزی در راستای مطالبات اصلی مردم است.

نکته مهم این ماجرا آنجاست که چه کسانی به ویژه در درون کشور به این شایعات دامن می زنند؟ شواهد نشان می دهد که بسیاری از این جریان ها همان کسانی هستند که از نتیجه انتخابات اخیر راضی نبوده اند.

این گروه، اکنون در تلاش اند تا با استفاده از تاکتیک های تخریبی، دولت منتخب را تضعیف کنند. در این راستا، از دکتر سعید جلیلی به عنوان چهره شاخص و متدین که روی بسیاری از این چهره ها و جریانات نفوذ و تأثیرگذاری دارد، انتظار می رود که به طور صریح و شفاف موضع خود را در قبال این اقدامات رادیکال اعلام کند. آقای جلیلی باید به روشنی اعلام کند که اگر منافع ملی برایش مهم است که حتما همین طور است هرگونه تخریب و حمله به دولت را بر نمی تابد.

دستگاه ها اطلاعاتی و همچنین قوه قضاییه نیز باید بدون ملاحظه و به طور قاطعانه با کسانی که در فضای رسانه ای کشور دست به ایجاد شایعه و بی ثباتی می زنند، برخورد کنند. کسانی که به دنبال هراس افکنی، اختلاف افکنی و یأس آفرینی هستند باید بدانند که هزینه های اقدام به چنین فعالیت های مخربی می تواند سنگین باشد و کشور به شدت به وحدت و انسجام نیاز دارد.

### بوی گند پروژه بگیرگی مشامتان را می سوزاند

مدیرمسئول روزنامه فرهیختگان هم درباره شایعه استعفای رئیس جمهور نوشت: در دو بال جغد شوم رادیکالیسم ایرانی این روزها، یعنی تویبتر و اپتا کمپین راه انداخته اند که رئیس جمهور می خواهد استعفا بدهد، خبری که از بیخ و بن دروغ است. به بیشتر اکانت ها که نگاه می کنید بوی گند پروژه بگیرگی مشامتان را می سوزاند. می توان به پزشکیان نقد داشت، نقدهای سنگینی هم داشت؛ اما این روزها با چشم غیر مسلح هم می شود فرق منتقد و پروژه بگیرا تشخیص داد.

می خواهند از منظر اجتماعی بگویند افق جدیدی در کار نیست آن قدر نیست که رئیس جمهور هم فهمیده... این وسط برخی حرف های دولتمردان و برخی اقدامات منتقدان هم البته مثل بنزین روی آتش است؛ اینکه معاون اول رئیس جمهور بگوید جز گریه برای فلان موضوع نمی توان کاری کرد چه معنایی دارد؟ یا اینکه منتقدان و رقبای سیاسی - مصادیق قانونی نه ضد امنیتی - رفع فیلتر را گروگان بگیرند، جز بازی در پازل انسداد طلبان و براندازان چه معنایی دارد؟

هدف دوم تلاش برای این همانی شرایط داخلی با آبان ۱۳۹۸ و دی ۱۳۹۶ است. ماشین عملیات روانی دشمن آنجا هم با برخی دروغ های بزرگ کار را شروع کرد؛ اما جالب است که این بار عده ای از منتقدان ریشو و ظاهرالصلاح هم همان مسیر را می روند. موضوع روشن است؛ به مثام دو جریان بوی کباب رسیده است. یکی براندازان خارجی که می خواهند باخبر دروغ ولو با اثرگذاری ۴۸ ساعته برای جبهه ضد ایرانی دوپینگ رسانه ای درست کنند و دو، معریان رادیکال داخلی که فکر می کنند وقتش رسیده کت و شلوار ریاست جمهوری را از کمد در بیاورند. البته اشتباه می کنند، دارند خر داغ می کنند، یعنی آن ها که مسئول ماجرا هستند باید خرها را داغ کنند.

### برخی موسسات، پول های کلان را می بلعند و خاصیتی هم برای کشور ندارند

دست آخر هم برویم سراغ یکی از مسائلی که جلوی چابک سازی دولت ها را می گیرد. می گویند تأسیس پژوهشگاه های متعدد برای هر وزارتخانه و دستگاه حاکمیتی، ایجاد انواع مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها و دانشکده های غیر ضروری و افزودن بر مراکز فرهنگی کشور با عناوین و اسامی و بهانه های مختلف، از جمله اقدامات هزینه زا هستند که در سال های اخیر به صورت عجیبی مرسوم شده است.

روزنامه جمهوری اسلامی در یادداشتی نوشت: در سال های اخیر بسیاری از منتقدان بودجه ریزی، به برخی بودجه ها اعتراض می کنند. در کنار این اعتراض و انتقاد، متأسفانه از تخصیص بودجه های کلان به سایر مؤسسات غیر ضروری که بخش قابل ملاحظه ای از پول ها را می بلعند و خاصیتی هم برای کشور ندارند، چیزی گفته نمی شود.

هم دولت در تدوین لایحه بودجه کل کشور و هم مجلس در تصویب آن باید برای چابک سازی حکمرانی تلاش کنند. چابک سازی حکمرانی مستلزم سه اقدام اساسی است که عبارتند از جلوگیری از افزایش مؤسسات و مراکز غیر ضروری، حذف مؤسسات و مراکز غیر ضروری و کاهش بودجه های زائد.

اشاره به بعضی مصادیق این سه مورد شاید بتواند راهنمای عمل برای بازگشت بودجه ریزی و تدوین و تصویب آن به ریل صحیح و واقعی باشد. در سال های اخیر، هر قوه ای از قوای سه گانه جداگانه برای خود خبرگزاری می کند، حتی خبرگزاری های تأسیس کرده اند که اخبار اختصاصی آنها را منتشر می کنند. طرفه اینکه این خبرگزاری ها موظفند از رئیس قوه یا تعریف و تمجید و حتی با عناوین ویژه خبردهی کنند و از سفر کردن، نطق کردن، شرکت در همایش ها، اظهار نظرها و هر کار دیگری که انجام می دهند به صورت لحظه ای گزارش بدهند به طوری که به نظر می رسد فقط سرفه کردن آنهاست که هنوز مشمول خبررسانی نشده است.

عجیب تر اینکه تعدادی از وزارتخانه ها هم جداگانه برای خود خبرگزاری تأسیس کرده اند! و آنها هم موظفند اخبار ریز و درشت وزیر را با قید فوریت و با تمام جزئیات منتشر کنند. و باز عجیب تر اینکه بعضی از قوای سه گانه و وزارتخانه ها جداگانه روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و فصلنامه هم دارند و بخش پرهزینه ای برای تبلیغ کارهای خود به وجود آورده اند.

سؤال اینست که اگر وجود چنین خبرگزاری ها و نشریاتی ضرورت دارد، فلسفه وجودی خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی و رسانه ملی چیست؟ اگر با این رسانه های عام که از بودجه دولت و بیت المال تغذیه می کنند مشکل دارید آن مشکل را حل کنید نه اینکه به جای حل مشکل به تأسیس خبرگزاری ها و نشریات اختصاصی متوسل شوید و هزینه های هنگفتی را بر بیت المال تحمیل کنید. آنچه مایه تأسف شدید است بی خاصیت بودن این اقدامات پرهزینه برای کشور است. این اقدامات پرهزینه نه تنها وضعیت فرهنگی و اقتصادی کشور را بهبود نبخشیده اند بلکه هر روز به کاهش ارزش پول ملی و بدتر شدن وضعیت فرهنگی جامعه منجر گردیده اند، بگذریم از انتصابات غیر لازم در اطراف مقامات که بودجه های زیادی را می بلعند.

اگر قرار است این همه فریاد صاحب نظران درباره زائد بودن این همه مؤسسات بی خاصیت و افزایش نجومی هزینه های آنها و حقوق های فوق نجومی صاحبان مناصب حکمرانی به گوش مسئولین نرود، بفرمائید تا منتقدان ساکت شوند و صاحبان قلم از نوشتن خودداری کنند. شرط حکمرانی صحیح البته این نیست، حکمرانان باید به توصیه های خیرخواهان توجه کنند تا بتوانند به حکمرانی موفق و سالم دست یابند.

روزنامه جمهوری اسلامی در یادداشتی نوشت: در سال های اخیر بسیاری از منتقدان بودجه ریزی، به بودجه های فرهنگی و مؤسسات دینی و افزایش سالانه آنها اعتراض می کنند. در کنار این اعتراض و انتقاد، متأسفانه از تخصیص بودجه های کلان به سایر مؤسسات غیر ضروری که بخش قابل ملاحظه ای از پول ها را می بلعند و خاصیتی هم برای کشور ندارند، چیزی گفته نمی شود. هم دولت در تدوین لایحه بودجه کل کشور و هم مجلس در تصویب آن باید برای چابک سازی حکمرانی تلاش کنند. چابک سازی حکمرانی مستلزم سه اقدام اساسی است که عبارتند از جلوگیری از افزایش مؤسسات و مراکز غیر ضروری، حذف مؤسسات و مراکز غیر ضروری و کاهش بودجه های زائد.

